

دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، درس دوم، مکاشفه، الهام، کانن

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

باشه، من هنوز دارم روی اسمها کار می‌کنم، پس می‌تونی به صحبت کردن ادامه بدی، اما من یه گشتی می‌زنم و از این آقا می‌پرسم. اسمت چیه؟ من مت هستم. یه مت دیگه؟ اوه خدای من، ما باید با دو تا مت رقابت کنیم.

مت و مت، باشه. تو کی هستی؟ من وس هستم. تو وس هستی.

کی اهل جنوب شرقی پنسیلوانیاست؟ کارت‌هاتون رو خوندم، و حداقل سه نفرید. شاید هنوز اینجا نباشید اما اهل جنوب شرقی پنسیلوانیا هستید. کسی قرار نیست در این مورد چیزی بگه؟ نه؟ باشه، شاید از یه کلاس دیگه اومده باشن. من قبلاً اونجا زندگی می‌کردم، به همین خاطر خیلی به این موضوع علاقه‌مندم که بدونم دقیقاً اهل کجا هستید.

باشه. نزدیک فیلادلفیا؟ گفتم، باشه؟ نزدیک فیلادلفیا هستی؟ من طرف نیوجرسی هستم.

سودرتون و تلفورد رو می‌شناسی؟ خب، شمال غربی فیلادلفیا، اونجا جایی بود که ما قبلاً زندگی می‌کردیم. اهل کجا بودی؟ اه، تلفورد. اوه، البته. آره. چی باعث شد به بوستون بیای؟ نمی‌دونم. باشه، خوبه. دوباره اسمت چی بود؟ وس. وس. ممنون.

باشه، بالاخره به اونجا می‌رسیم. فکر کنم وقتشه شروع کنیم، چون داریم یه جورایی راهمون رو کج می‌کنیم. امروز هوا سرده، نه؟ این اتاق یه... چند نفر از شما قبلاً تو این اتاق کلاس داشتید؟ زمستون‌ها هوا معمولاً سرده. لطفاً پتوهاتون رو بیارید. قبلاً هم از دانشجویا این کار رو کردم، یه جورایی سرگرم‌کننده‌ست.

در هر صورت، اگر از لپ‌تاپ استفاده می‌کنید و به منبع تغذیه نیاز دارید، همیشه این ردیف جلو وجود دارد، که باعث می‌شود راحت‌تر بتوانم با شما ارتباط برقرار کنم، نه اینکه در ردیف عقب بنشینم. اما اشکالی ندارد، ما هم می‌توانیم این کار را انجام دهیم. لطفاً به اطلاعیه‌ها توجه کنید.

بگذارید چند مورد از آنها را کمی روشن کنم یا بیشتر توضیح دهم. من این را نخواهم داشت. لطفاً هر بار آن ماجرای تلفن همراهتان را خاموش کنید، اما فقط برای اینکه به آن عادت کنیم. نکته دوم این است که جلسات نقد و بررسی کری حالا حل و فصل شده است.

درست فهمیدم؟ بله. باشه، عالی، درست فهمیدم. خب، سه‌شنبه، و این یعنی سه‌شنبه‌ی پیش رو، موقع شروع کار توست. حدس می‌زنم درست باشه. باشه، خوبه. و بعدش مت، ببخشید، این روی نوار خوب به نظر می‌رسه، مگه نه؟ آگه خیلی زود به خاطر سرفه آب از دهنم راه بیفته، می‌فهمی، نه؟ در هر صورت، مت تا بیست و ششم شروع نمی‌کنه چون، بدیهیه که ما در روز مارتین لوتر کینگ کلاس نداریم. اما، همونطور که دفعه‌ی قبل گفتم، خودت رو مجبور کن که از جلسات مرور استفاده کنی.

آنها را فوق‌العاده مفید خواهید یافت، و مطمئناً وقتی به روز قبل از امتحانات می‌رسید، آرامش خاطر بیشتری به شما می‌دهند. ضمناً، من هنوز روی نام‌های شما کار می‌کنم، و باید این کار را برای حدود یک هفته و نیم آینده انجام دهم، و سپس شاید آن را حل کنیم. اگر الان به برنامه درسی خود نگاه کرده و آن را دانلود کرده‌اید، ممکن است متوجه شده باشید که عصر چهارشنبه آینده و آن کلاس بعدی ما است. از آنجایی که ما

دوشنبه، عصر چهارشنبه آینده کلاس نداریم، یک سخنرانی در اینجا وجود خواهد داشت که کاملاً اختیاری است، اما من هر ترم که این کلاس را تدریس می‌کنم، آن را ارائه می‌دهم.

شوهر من یک اختریفیکدان است. او همچنین یک مسیحی قوی است، بنابراین اجازه ندهید که اختریفیک به هیچ وجه بر آن غلبه کند. آنها به خوبی با هم ادغام می‌شوند.

اما من همیشه از او می‌خواهم که بیاید و در مورد بیگ بنگ سخنرانی کند، همانطور که ما شروع به بحث در مورد پیدایش ۱ و ۲ و خلقت و همه این چیزها می‌کنیم، و اگر به این نوع چیزها علاقه دارید، شما را تشویق می‌کنم که بیایید، زیرا فکر می‌کنم حس خوبی خواهید داشت که برخلاف برخی از رشته‌های فکری، بیگ بنگ به عنوان یک ساختار علمی در واقع به خوبی با کل ایده خلقت، همانطور که در پیدایش ۱ می‌بینیم، ادغام می‌شود. بنابراین، اگر می‌توانید، شما را تشویق می‌کنم که آن زمان را کنار بگذارید. آیا مشکلی با تخته سیاه دارید؟ آیا مشکلی با دانلود سرفصل‌ها یا هر چیز دیگری که نیاز دارید دارید؟ همه چیز آماده است؟ بسیار خوب، خوب. ما امروز شروع خواهیم کرد.

همانطور که دفعه قبل گفتم، من همیشه دوست دارم کلاس را با یک مزمور شروع کنم، و دوست دارم شما به مزمور ۱۰۰ پردازید. دفعه قبل، ما مزمور ۸۶، آیات ۱۰ و ۱۱ را خواندیم، اما می‌خواهم این روز را با مزمور شروع کنم چون قرار است یاد بگیریم که آخرین آیه مزمور ۱۰۰ را بخوانیم. بنابراین، کار ما برای این روز ۱۰۰، این است. ما الان تمام مزمور ۱۰۰ را می‌خوانیم؛ من شما را با آخرین آیه به زبان عبری آشنا می‌کنم، و سپس اگر خدا بخواند، روز چهارشنبه، یاد می‌گیریم که آن را بخوانیم.

اما بفرمایید. ای تمامی زمین، برای خداوند فریاد شادی سر دهید، یا اگر کینگ جیمز را می‌خوانید، ای تمامی سرزمین‌ها، بانگ شادی برای خداوند سر دهید. خداوند را با شادی عبادت کنید. با سرودهای شاد به حضور او بیایید. بدانید که خداوند خداست؛ اوست که ما را آفریده است و ما از آن او هستیم. ما قوم او، گوسفندان چراگاه او هستیم. با شکرگزاری به دروازه‌های او و با ستایش به صحن‌های او وارد شوید.

به عبارت دیگر، اینگونه است که ما باید به حضور خدا بیاییم و او را پرستش کنیم. او را شکر کنیم و نام او را ستایش کنیم. زیرا خداوند نیکوست، عشق او جاودانه است و وفاداری او در همه نسل‌ها ادامه دارد.

این آیه‌ای است که قرار است در طول این ترم به همراه حدود پنج مزمور دیگر، خواندن آن را به زبان عبری یاد بگیریم. خوب، زبان عبری این شکلی است. هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کردید که دارید برای کلاس عبری ثبت‌نام می‌کنید، نه؟ کی برای این کلاس ثبت‌نام کردید؟ اما قرار است حدود، خوب، شاید ۲۵ یا ۳۰ کلمه مهم عبری را یاد بگیرید.

برخی از مهمترین آنها همینجا در مزمور ۱۰۰، آیه ۵ آمده است. من ترجمه تحت‌اللفظی و دردناکی از این را با لباس سفید به شما ارائه می‌دهم، زیرا خداوند نیکوست، باشه، کیتوف آدونای، تا ابد می‌دانیم، یا به معنای واقعی کلمه تا ابد حَسِد اوست. در طول این ترم چیزهای زیادی در مورد حَسِد خواهیم گفت. این یک کلمه عبری است که واقعاً نمی‌توان آن را ترجمه کرد.

گاهی اوقات، ترجمه‌های شما رحمت و گاهی مهربانی را در بر دارند، اما در واقع به معنای عشق و وفاداری پایبندیم، و این کلمه‌ای است که hesed ابدی است. سعی کنید آن را در یک کلمه بخوانید. بنابراین، ما به می‌توانید از آن استفاده کنید.

در انتهای آن است O حرف، hasdo صداهای حلقیتو تمرین کن، ه، فهمیدم، باشه، هسد، باشه، لئولام تمام O او، اگر مذکر باشند، با صدای hesed، زیرا پسوندهای ضمیری که حالت ملکی دارند. به عبارت دیگر

hesed ، emunato ، hasdo ، به ، emunato ، به نسل و نسل، وفاداری او ، vador ، ve'ador ، می‌شوند ki tov ، او، وفاداری او توجه کنید . اگر مایلید، این را با من در میان بگذارید . بیایید آهسته صحبت کنیم Adonai, le'olam ، اوه، این به اندازه کافی خوب به نظر نمی‌رسد

، دوباره از اول شروع کن، کی توو آدونای، لئولام هسدو ، اوه بله، ویدور ، ویدور ، اِموناتو . به خواست خدا ، دوباره این سرود را چهارشنبه خواهیم خواند، اما بیایید در شروع، زمانی را برای دعا با هم اختصاص دهیم

خدای مهربان و پدر آسمانی ما، ای نجات‌دهنده‌ی گرانقدر، ای روح‌القدس حقیقت، در حالی که این روز را با هم آغاز می‌کنیم، صمیمانه برای حضور تو در کنارمان دعا می‌کنیم . پدر، ما را با روح خود که زنده و فعال است، تعلیم ده . از طریق کلام خود که آن نیز زنده و فعال است، به ما تعلیم ده . ای پدر، به ما تعلیم ده، زیرا ما باید تو را بشناسیم و درباره تو بیشتر بدانیم

، به ما بیاموز که چگونه رحمت را دوست بداریم و عدالت را اجرا کنیم . ما را وادار کن که برای عدالت درستکاری و حقیقت دعا کنیم، نه فقط برای خودمان، بلکه برای جوامعمان، برای ملتمان و برای مکان‌هایی در جهان که توسط بی‌عدالتی و نزاع از هم پاشیده‌اند . پدر، ما جسارت می‌کنیم که از تو به عنوان پروردگار جهان برای صلح در اسرائیل، برای توقف خصومت‌ها در هر دو طرف، درخواست کنیم

پروردگارا، به قوم خود رحم کن . و اکنون، در حالی که با هم مطالعه می‌کنیم، باشد که نام تو گرامی و جلال یابد . ما به نام مسیح با شکرگزاری می‌طلبیم، آمین

خب، بیایید کمی اینجا ادامه دهیم . در اینجا، ما قرار است در مورد وحی و الهام صحبت کنیم . بگذارید از قبل به شما هشدار بدهم که کاری که امروز انجام می‌دهیم، برجسته کردن مطالبی است که اگر تکلیف امروزتان را خوانده باشید، خوانده باشید، خوانده‌اید

بنابراین، اگر کتاب «مقدمه الهیاتی» را خوانده باشید، برخی از این مسائل اعتقادی مطرح شده‌اند و من می‌خواهم آنها را برجسته کنم . دلیل اینکه این کار را می‌کنم این است که فکر می‌کنم آنها مهم هستند . خب ، آیا این یک سرخ است؟ اینها چیزهایی هستند که شما می‌خواهید بدانید

علاوه بر این، ما قصد داریم به طور خلاصه در مورد مرجعیت، ایده‌ی مرجعیت متون کتاب مقدس، به ویژه عهد اول، و سپس در مورد برخی از ویژگی‌های کلی متن صحبت کنیم . اگر طرح کلی سخنرانی را دانلود کرده باشید، می‌دانید که امروز به کجا می‌رویم . با این حال، چند نکته برای شروع، مرور کنید

تَنَاحِ مخفف چیست؟ بفرمایید مریم . درست است، تورات به معنی آموزش، نویسیم به معنی انبیا که شامل نوشته‌های تاریخی و انبیای مکتوب می‌شود، و کتوبیم به معنی نوشته‌ها، شامل اشعار ما و چندین چیز دیگر عالی

بیایید کمی به جلو نگاه کنیم . این بر اساس مطالبی است که امروز خوانده‌اید . بیایید ببینیم چه پاسخی داریم

چه آموزه‌ای در مزمو ۱۹ کاملاً واضح است؟ گزینه‌های شما عبارتند از: رستگاری از طریق کفار، رستگاری از طریق پرداخت بها، وحی در طبیعت و کتاب مقدس، یا خلقت و حفظ جهان . چه کسی می‌گوید مورد اول؟ هیچ‌کس . مورد دوم؟ تا اینجا که خوب بوده است

سومی؟ ما چند دست آزمایشی داریم . دارم می‌شمارم، اوه، حدود پنج یا شش تا؟ چهارمی؟ خیلی‌ها دارند . چهارمی را انجام می‌دهند . جواب این است

اوه. خیلی سریع از جواب رد شدیم، نه؟ اوه، و من به عقب برنمی‌گردم. بسیار خب

صبر کن. عکس این قضیه کار نمی‌کند. همین است دیگر

مورد سوم. بقیه موارد، تکه‌های شگفت‌انگیزی از حقیقت هستند و ما به آنها خواهیم پرداخت، اما در مزمور است که ترکیبی بسیار عالی داریم که اول از همه، از آسمان‌ها صحبت می‌کند و جلال خدا را اعلام می‌کند ۱۹ و در پایان مزمور، و کمی بعد به آن خواهیم پرداخت، به ویژه در این واقعیت واضح است که خود کتاب مقدس چیزهایی را که باید بدانیم آشکار می‌کند. بسیار خوب

اینها سوالات بررسی و پیش‌نمایش ما هستند. برخی سوالات که می‌خواهیم کمی بیشتر در مورد آنها فکر کنیم. و اینها سوالات بلاغی نیستند

من فقط کنجکاوم که نظر شما را بدانم. چرا؟ چرا برای من و شما ضروری است که درک درستی از ماهیت و مرجعیت کتاب مقدس داشته باشیم؟ این چیزی است که ما خیلی کم داریم، حتی در بافت مسیحی. ما اغلب «می‌گوییم که کتاب مقدس می‌گوید، بدون هیچ مبنایی برای اینکه فکر کنیم کتاب مقدس حقیقتی بزرگتر از کلبه» دارد، البته اگر کسی آن را خوانده باشد

و از نظر C+ کسی کتاب «کلبه» را خوانده است؟ خب. کتاب جالبی است. از نظر قابلیت‌های ادبی نمره B. مسائلی که به آنها می‌پردازد، شاید نمره

کاملاً به اینجا مربوط نیست، باشه؟ چرا؟ نظرت چیه؟ چرا کاملاً ضروریه؟ کسی می‌خواد وارد این بحث بشه؟ سارا، بفرما. باشه. پس اگه قراره واقعاً به پیش‌فرض داشته باشیم، و قراره در مورد اون‌ها در یه لحظه صحبت کنیم، اینکه خدای جهان، که متعالیه، و کلی مفاهیم داره که الان بهش نمی‌پردازیم، و همچنین شخصیه، که اون هم کلی مفاهیم داره، خدا انتخاب کرده که با ما صحبت کنه، پس واقعاً ضروریه که ما این حس رو داشته باشیم که کلام او، اونطور که در کتاب مقدس تجسم یافته، قراره به جورایی اعتبار داشته باشه

، و ما می‌خواهیم چیز بیشتری در مورد آن بدانیم. چیز دیگری هم هست؟ اسمت را به من بگو. کائین؟ باشه باشه

بفرمایید. خوبه. بذارید فقط برای اونایی که شاید نتونستن بشنون، حرف کیلین رو تکرار کنم

ما باید درک درستی از ماهیت حقیقی کتاب مقدس داشته باشیم و اینکه چگونه می‌توانیم به آن به عنوان حقیقت اعتماد کنیم. در غیر این صورت، چرا اصلاً فرض کنیم که چیزی برای گفتن به ما دارد؟ من واقعاً آنچه را که شما گفتید، دوباره بیان کردم. آیا من آن را خوب انجام دادم؟ آیا شما با این موضوع مشکلی ندارید؟ بیایید به چند سوال دیگر بپردازیم

ما به حرکت ادامه خواهیم داد. وقتی به کتاب مقدس فکر می‌کنی، چه چیزی تو را آزار می‌دهد؟ منظورم این است که اگر ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، همانطور که سارا گفت، حداقل در مورد پیش‌فرض‌هایمان، در مورد این صحبت می‌کنیم که خدای متعال جهان هستی، خود را از طریق کلمات در دسترس ذهن و قلب ما قرار می‌دهد. اگر این موضوع شما را ناراحت نمی‌کند، یا هر چیزی که امروز به پا دارید، مشکلی با شماست

یا اینکه، می‌دونی، فقط به خاطر اینکه چند ساله فقط چیزهایی رو می‌شنوی و در موردشون فکر نمی‌کنی، کند ذهن شدی. می‌دونم که خیلی بی‌ادبانه به نظر می‌رسه. اما همه ما در موقعیتی هستیم که وقتی به پیامدهای واقعی برخی از این چیزها فکر می‌کنیم، کمی نیمه‌اغما هستیم.

شاید به این دلیل که ما آنها را زیاد شنیده‌ایم. چه سوالاتی دارید؟ یکی از سوالات من این است که چطور ممکن است چنین اتفاقی بیفتد؟ آیا خود خدا واقعاً با افرادی مثل من و شما صحبت خواهد کرد؟ کیتلین، این یک سوال است؟ بله. ببخشید، دوباره بگو.

درست است. چطور می‌توانیم ادعا کنیم، می‌خواهیم به معنای مثبت آن را بیان کنیم، چطور می‌توانیم ادعا کنیم که کتاب مقدس مصون از خطا است؟ حالا، چه چیزی این سوال را مطرح می‌کند؟ سوال خیلی خوبی است. دوباره بپرس.

یه مطلب خیلی خوب دارم که بخونی. می‌ذارمش رو تخته سیاه. شاید از قبل اونجا باشه.

اما بله، این سوال خوبی است از این نظر که اگر ما این متن را داریم که در برخی موارد هزاران سال به دست بشر رسیده است، چگونه می‌توانیم ادعا کنیم که در گزاره‌های اعتقادی خود معصوم است؟ و در واقع، یک گزاره کامل است. امیدوارم وقتی در مورد دوم تیموتائوس صحبت می‌کنیم، به این موضوع برگردم. به آنجا خواهیم رسید.

سوال دیگه ای دارید؟ اسم من، اسم شما، ببخشید. اسم خودتون رو بگید. سوزانا، ممنون.

خوب. تا چه حد، اگر نه معانی متعدد، حداقل امکان تفسیرهای مختلف از افرادی که از زمینه‌های مختلف می‌آیند و سوالات متفاوتی می‌پرسند، وجود دارد؟ یک سوال عالی دیگر.

چه رشته‌ای می‌خواهی انتخاب کنی؟ اوه، بذار یه زمانی تشویق کنم که هرمنوتیک کتاب مقدس رو انتخاب کنی، جایی که واقعاً به تفصیل به این سوال می‌پردازیم. این یه درس کمی خوب برای رشته فلسفه‌ست. باشه.

می‌توانیم همینطور ادامه دهیم. آیا فکر می‌کنید سوالات شما پاسخ‌های معتبری دارند؟ من پیشنهاد می‌کنم که دارند. ممکن است ما پاسخ کامل هیچ چیزی را نداشته باشیم، اما پیشنهاد می‌کنم سوالاتی که دارید، شاید هنوز نرسیده‌اید یا در این مرحله توانسته‌اید آنها را بیان کنید، پاسخ‌های معتبری داشته باشند.

من امروز فقط قصد دارم برخی از آنها را به عنوان یک مرور کلی ارائه دهم. بگذارید شما را تشویق کنم انجمن‌های آزاد برای این کلاس وجود دارد. آنها عصرهای چهارشنبه برگزار می‌شوند، اولین آنها گفتگوی بیگ بنگ است، اما بعد از آن.

لطفاً سوالات خود را به آنها مطرح کنید، و اگر در اینجا به آنها پاسخ داده نشد، می‌توانیم بیشتر در مورد آنها صحبت کنیم، نه اینکه با گفتن اینکه این یک سند قابل اعتماد نیست، از بحث خارج شوید. بسیار خوب. ما قصد داریم با برخی از موارد شروع کنیم.

خب، راستش را بخواهید، قرار است با این شروع کنیم. ببخشید، یادم رفت امسال این را آنجا گذاشته‌ام. برای شما دانشجویان هنر، رامبراند یکی از نقاشان مورد علاقه من است.

در طول ترم چیزهای زیادی از او خواهید دید. این یکی از نقاشی‌های واقعاً دوست‌داشتنی اوست. امیدوارم بتوانید آن را از پشت ببینید.

در مورد این هنرمند چه می‌دانید؟ همانطور که به این نگاه می‌کنید، نام خود را به من بگویید: نیک.

باشه. این هنرمند حس عمیقی از زیبایی داره. می‌تونیم اینو بگیم؟ آیا این منصفانه‌ست که بگیم؟ بسیار خب.

او طبیعت را درک می‌کند و می‌تواند آن را به تصویر بکشد، که یعنی ماهر است. دیگر چه؟ آیا باید اسمت را بدانم؟ دوباره امتحان کن. زنجبیلی.

ممنون. به عبارت دیگر، شما فکر می‌کنید که این هنرمند در اینجا چیزی در مورد تضادها ارائه می‌دهد، قادر به درک آنها، قادر به نمایش آنها، و شاید داشتن نوعی پیام در ذهن است.

اگرچه، ما هنوز نمی‌دانیم آن چیست. شما در مورد اجزای اخلاقی که بخشی از این هستند، حدس‌هایی می‌زنید. بسیار خب.

خوبه. چیز دیگه‌ای هم هست؟ آه، بهم نگو. زک.

باشه. باشه. با توجه به سبکش، اون یه نقاش غیرمعاصره.

درسته. و البته، در واقع، ما قراره این رو حدود ۵۰۰ سال به عقب برگردونیم. خوبه.

آیا چیز دیگری هست که صرفاً با نگاه کردن به این نقاشی، در مورد هنرمند بدانید؟ درک او از زیبایی به اندازه کافی ماهرانه است که آن را ارائه دهد، می‌تواند چیزی در مورد تضادها ببیند، و شاید بتوانیم حدس بزنیم که چه دلالت‌هایی در آن وجود دارد. کیلین، می‌خواهی امتحان کنی؟ دستت بالا نیست. باشه.

بسیار خب. خب، بیایید یک لحظه این را رها کنیم. ما به آن ایده برمی‌گردیم، اما به این هنرمند فکر کنید و فقط به این فکر کنید که چه چیزی را می‌توانیم صرفاً با نگاه کردن به آثار او بدانیم.

ما می‌توانیم مهارت را بشناسیم. ما می‌توانیم توانایی را بشناسیم. ما می‌توانیم توانایی درک کردن را بشناسیم.

حس زیبایی. حس بازنمایی چیزی که در طبیعت است و انجام آن به طور نسبتاً دقیق. باشه.

فقط به این موضوع توجه کنید. ادامه می‌دهیم. در این مرحله به تعریف وحی می‌پردازیم و در ادامه به مواردی می‌پردازیم که ممکن است به نقاشی ما مربوط باشند.

این تعریفی است که لازم نیست آن را یادداشت کنید، چون از قبل در یادداشت‌های طرح درس و کتاب‌های مقدماتی شما وجود دارد. بسیار خب. اما دانستن آن مهم است.

وقتی درباره وحی صحبت می‌کنیم، و ضمناً، آن را حفظ کنید. به شما آسیبی نمی‌رساند. این خودافشایی الهی است که حقیقت غیرقابل دسترس درباره خدا را آموزش می‌دهد.

و این باعث ایجاد یک پاسخ می‌شود. آن بخش از آن نیز مهم است. همانطور که به آن تصویر نگاه کردید، به نوعی پاسخ دادید.

اوه، من ازش خوشم نمیاد. اوه، خیلی قدیمیه. اوه، این عالیه.

اوه، او واقعاً می‌دانست که با قرار دادن آن پل و آن تضاد رنگی چه می‌کند. نوعی پاسخ وجود دارد. این روش دیگری برای تفکر در مورد کل این مفهوم است و ما قصد داریم در یک لحظه به چند مورد از آیاتی که این را تأیید می‌کنند، نگاهی بیندازیم، اما کنش ارتباطی الهی روش دیگری برای تفکر در مورد وحی است.

بسیار خوب. چیزی که این عبارت خاص به ما منتقل می‌کند این است که خودِ متون مقدس، خودِ متون مقدس، فقط کلمات نیستند. آنها کلماتی درباره اعمال خدا هستند، و خودِ کلمات نیز یک جزء فعال دارند.

فصل ۴ کتاب عبرانیان این را به ما خواهد گفت. بسیار خوب. بنابراین، اگر به جای وحی، کنش ارتباطی الهی را بیشتر دوست دارید، ممکن است کمی بیش از حد روی آن کار شده باشد.

بسیار خوب. بیایید کمی ادامه دهیم. لحظه‌ای پیش اشاره کردم که می‌خواهیم اینجا درباره پیش‌فرض‌ها صحبت کنیم.

شاید بخواهید آنها را به عنوان درک‌های بنیادی در نظر بگیرید. در ادامه می‌گویم، این تلاشی برای اثبات وجود خدا نیست. می‌توانید به کلاس فلسفه خود بروید تا سعی کنید برخی از این مسائل را حل کنید.

اما کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که فقط برخی از مواردی را که برای بحث ما اساسی هستند مطرح کنم، و بله، آنها از نگاه به کتاب مقدس ناشی می‌شوند. اما نمی‌گویم که این لزوماً دایره‌ای است. فکر می‌کنم ما قرار است نوعی ماریج درک را ایجاد کنیم و در اینجا داشته باشیم.

اما اول از همه، در مورد پیش‌فرض‌هایمان، فعلاً فرض می‌کنیم که یک موجود الهی که کتاب مقدس او را خدا می‌نامد، در میان نام‌های دیگرش، واقعاً انتخاب کرده است که ارتباط برقرار کند. بسیار خوب. او انتخاب کرده که ارتباط برقرار کند.

و نه تنها این، بلکه او شخصی است. حال، یک موجود الهی به معنای تعالی است، حداقل در حوزه امور ما، اما او شخصی نیز هست. این دو در کنار هم واقعاً قابل توجه هستند.

او عمدی است، و در ارتباطش هم عمدی عمل می‌کند، زیرا خلقت او، و بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، نیازی دارد. به همین دلیل است که ما حتی در مورد هر یک از این موارد بحث می‌کنیم. به همین دلیل است که در مورد دگرترین صحبت می‌کنیم.

به همین دلیل است که ما در مورد مسائلی مانند نجات، رستگاری و غیره صحبت می‌کنیم. ما به نوعی نیازمند هستیم. هدف وحی، ابلاغ حقیقت است و در واقع این امر محقق شده است.

ما همه چیز را در مورد خدا نمی‌دانیم. ما نمی‌توانیم. این واضح است.

این بدیهی است. اما برخلاف برخی مکاتب فکری، ما می‌توانیم به اندازه کافی بدانیم. می‌توانیم به اندازه کافی بدانیم که چه چیزهایی انتخاب‌های ما را شکل می‌دهند و هدایت می‌کنند و اینکه خدا از ما می‌خواهد در رابطه با مشارکت در پادشاهی او چه کاری انجام دهیم.

و نکته‌ی دیگری هم هست که می‌خواهیم به خاطر داشته باشیم، چون خیلی از مردم به کتاب مقدس نگاه می‌کنند و می‌گویند، خوب، کلمات خیلی ناکافی هستند. یک تصویر به اندازه‌ی هزار کلمه می‌ارزد، و غیره، و غیره. خوب، نه لزوماً.

گاهی اوقات تصویری مانند تصویری که لحظه‌ای پیش دیدیم، برای درک بهتر به کلمات نیاز دارد. بنابراین، هر دو باید با هم کار کنند. بنابراین، کلمات کافی هستند، کاملاً کافی هستند، هرچند برای انتقال این موضوع کامل نیستند.

می‌خواهم چند نکته را اینجا مطرح کنم. چیزی به نام دکترین لوگوس وجود دارد که بعداً در کلاس در مورد آن صحبت خواهم کرد. فکر می‌کنم در کتاب مقدماتی که خوانده‌اید، آمده است.

حداقل، امیدوارم که اینطور باشد. اما در هر صورت، یادم نمی‌آید. من کتاب مقدماتی را خیلی وقت پیش خوانده‌ام.

یکی از چیزهایی که باید در نظر داشته باشیم این است که وقتی خدا جهان را آفرید، پیدایش، فصل اول، او این کار را به واسطه‌ی سخن گفتن انجام داد. و چون او این کار را به واسطه‌ی سخن گفتن انجام داد، این به ما، چیزی در مورد ارتباطات، وابستگی متقابل و تطابق بین آنچه خدا می‌گوید و آنچه در خارج وجود دارد، واقعیت مخلوقی که در خارج وجود دارد، می‌گوید. لوگوس یک کلمه یونانی است، به معنای کلمه

، اما کلی معنی دیگه هم داره. کسی می‌دونه چی هستن؟ من همینجا توضیح می‌دم. خیلی مسخره‌ست، نه؟ تد لوگوس چه معنی دیگه‌ای داره؟ و معنی‌های دیگه‌ای هم داره، و من به این‌ها هم اشاره می‌کنم.

وقتی به معنی لوگوس در یک فرهنگ لغت یونانی که خارج از عهد جدید است نگاه می‌کنید، به معنای منطق است، که انتظار می‌رود. مطابقت جالب است. عقل، نیز بسیار جالب است.

بنابراین، اگر کل آن مجموعه معانی را در نظر بگیرید و فراتر از کلمه گسترش دهید، می‌توانیم ببینیم که در واقع، وقتی خداوند صرفاً با سخن گفتن و صرفاً به واسطه کلمه، نظم خلقت را به وجود می‌آورد، می‌تواند بین آنچه او می‌گوید و آنچه ما در بیرون می‌بینیم، آنچه آزمایش می‌کنیم، آنچه اندازه‌گیری می‌کنیم و آنچه نمایش می‌دهیم، ارتباطی وجود داشته باشد. کلمات درباره پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کنند. آنها آنها را نشان می‌دهند.

من اینجا به یک دسکتاپ نگاه می‌کنم. شما هم اگر به دسکتاپ‌هایتان نگاه می‌کنید، همینطور هستید. وقتی در مورد آن صحبت می‌کنید، آن را به مخاطبانی که آنجا هستند، نشان می‌دهید.

شما نمی‌توانید چیزی را که من به آن نگاه می‌کنم ببینید، اما من می‌توانم آن را برای شما توصیف کنم، و به لطف کلمات من، شما تصویری از کل ماجرا به دست می‌آورید، به خصوص اگر قبلاً یکی از آنها را دیده باشید. کلمات همچنین در مورد پدیده‌های ماوراءالطبیعه صحبت می‌کنند. و در این صورت، آنها را ارائه می‌دهند.

حالا، اگر کمی در مورد پدیده‌های ماوراءالطبیعه شک دارید، این یک داده‌ی کوچک جذاب برای شماست. و می‌توانید چهارشنبه شب آینده از شوهرم بیشتر در این مورد بپرسید. چند نفر از شما با پیش‌زمینه‌ی فیزیک آمده‌اید یا قرار است فیزیک بخوانید؟ کسی؟ علوم طبیعی؟ فیزیک شیمی؟ چیزی از این قبیل؟ شاید؟ چه مقدار از جهان، از نظر درصد، چیزی است که من و شما می‌توانیم اندازه‌گیری و ببینیم و غیره؟ چه مقدار از آن، از نظر درصد؟ می‌دانید؟ احتمالاً زیاد نیست.

عالیه ۴.۶٪. حالا، از کجا اینو می‌دونیم؟ چون فیزیکدان‌ها آزمایش‌های زیادی انجام می‌دن. اونا در مورد چیزهایی مثل ماده تاریک و انرژی تاریک صحبت می‌کنن.

آیا این اصطلاحات را شنیده‌اید؟ درست است؟ خب، ماده تاریک و انرژی تاریک روی هم رفته حدود ۹۵٪ از جهان را تشکیل می‌دهند. ما نمی‌دانیم آنها چه هستند. بنابراین، اگر چیزی که می‌توانم در مورد آن صحبت کنم، ببینم، اندازه‌گیری کنم، لمس کنم، من ماده باریونی هستم.

تو هم همینطور. صندلی که روش نشستی هم همینطور. خب، اون چراغ اونجاست؟

این ۴.۶٪ از نظم خلقت جهان است. بقیه آن چیزهایی است که نمی‌توانیم اندازه‌گیری کنیم. اگر این در قلمرو فیزیکی صادق است، آیا این به شما نوعی قیاس نمی‌دهد؟ حالا به آن فکر کنید؟

اگر این در قلمرو فیزیکی صادق باشد، آیا این به شما نوعی پایه و اساس نمی‌دهد که فکر کنید یک قلمرو فوق‌العاده پیچیده، شگفت‌انگیز، غنی و ماوراءالطبیعه در خارج وجود دارد؟ و کتاب مقدس شروع به صحبت در مورد آن قلمروهای ماوراءالطبیعه می‌کند. این برای من هیجان‌انگیز است. به هر حال، من کمی بیش از حد در مورد آن صحبت کرده‌ام.

بیا بیا ادامه دهیم. دوباره، از آنچه امروز خوانده‌اید، می‌خواهم برخی از مواردی را که برجسته کرده‌اید، انتخاب کنید. خدا کسی است که کل این فرآیند وحی را آغاز می‌کند.

وقت نمی‌گذاریم به اول قرن‌تین ۱ پردازیم، اما در آنجا کاملاً واضح است، پولس می‌گوید که انسان‌ها با خرد خود به شناخت خدا نمی‌رسند. خب؟ این درست است زیرا خدا مقدس است. ما مقدس نیستیم.

ما گناهکاریم. خدا بی‌نهایت است. ما محدودیم.

و بنابراین، این خداست که کل این فرآیند آشکارسازی خود، یا به عبارت دیگر، خودافشاگری الهی را آغاز می‌کند. حال، من به هیچ وجه دلیل این حرف را انکار نمی‌کنم. فقط این است که ما راه خود را به سوی خدا با استدلال پیدا نمی‌کنیم.

اما ما مطمئناً می‌توانیم ببینیم، و این آزمایش‌ها، مثلاً، که من الان اشاره کردم، به وضوح نشان می‌دهند که چیزی به نام ماده تاریک و چیز دیگری به نام انرژی تاریک وجود دارد. می‌دانید، این یک دلیل است. این توانایی بشر است که بداند چیزی واقعاً قابل توجه در آنجا وجود دارد، حتی اگر ما نمی‌دانیم آن چیست.

باشه؟ پس لطفاً هیچ‌وقت این حس رو نداشته باشید که دارم عقل رو توی این بحث کنار می‌ذارم. من این کار رو نمی‌کنم. خب، باید به کم بیشتر ادامه بدم.

ما قصد داریم وحی را کمی خاص‌تر تعریف کنیم، و من قصد دارم از برخی دسته‌بندی‌های بسیار استاندارد الهیاتی استفاده کنم. مورد اول، وحی عمومی است که گاهی اوقات وحی طبیعی نامیده می‌شود. و ما می‌خواهیم در این مورد به سه بخش از کتاب مقدس نگاه کنیم.

اولین مورد، مزمور ۱۹ است. بنابراین، اگر کتاب مقدس خود را دارید، بیا بیا نگاهی سریع به مزمور ۱۹ بیندازیم و به یاد داشته باشیم که آنچه او آشکار می‌کند، قدرت و ویژگی‌های اوست و آنها از طریق خلقت به ما می‌رسند. و ضمناً، دوباره، یک اخترازیکی‌دان را در نظر بگیرید که در حال مطالعه خلقت است.

ستاره‌ها را مطالعه کنید. همچنین، سیاه‌چاله‌ها، ماده تاریک و انرژی تاریک را مطالعه کنید. هر دو مؤلفه اینجا هستند.

به هر حال، آسمان‌ها جلال خدا را اعلام می‌کنند. فلک روز به روز از کار دست‌های او خبر می‌دهد. به عبارت دیگر، پیوسته

این یک چیز مداوم است. شب به شب، دانش خود را نشان دهید. ترجمه آیه بعدی کمی دشوار است

است. به تمام زمین تا اقصی NIV هیچ سخن یا زبانی نیست که صدای آنها در آن شنیده نشود. این ترجمه‌ی نقاط جهان می‌رود

، بنابراین، همه جا هست. این به ما می‌گوید که کار خدا آشکار است، و این یک اعلام مداوم است. و دوباره، نجوم را مطالعه کنید

شما به شکلی عمیق‌تر از این موضوع قدردانی خواهید کرد. این موضوع در آیه ۷ ادامه می‌یابد که در مورد ماهیت شریعت خداوند صحبت می‌کند. و سپس پایان این مزمور فوق‌العاده است زیرا به نوعی برمی‌گردد و به ما در بخشی از تعریفمان از وحی، که فراخوانی یک پاسخ است، کمک می‌کند

به آیه ۱۲ توجه کنید. چه کسی می‌تواند خطاهای او را تشخیص دهد؟ خطاهای پنهان مرا ببخش. به عبارت دیگر، مزمورنویس تشخیص می‌دهد که او خیلی سریع است و می‌گوید، خطاهای پنهان مرا ببخش

این صرفاً پاسخی است به این واقعیت که او از وحی و چگونگی وقوع آن آگاه بوده و در مورد آن فکر کرده است. بندهات را از گناهان عمدی دور نگه دار، نه فقط خطاهای پنهان من، بلکه گناهان عمدی من. مزمورنویس واقعاً از مشکلاتی که در اینجا با آن مواجه است آگاه است

باشد که آنها بر من حکومت نکنند، آنگاه من بی‌عیب و نقص خواهم بود، از گناهان بزرگ مبرا. و البته، آیه‌ای که بسیاری از ما هنگام بزرگ شدن در کلیسا حفظ می‌کنیم، اگر این کار را می‌کردیم، باشد که سخنان دهانم و تفکر قلبم در نظر تو پسندیده باشد، ای خداوند، ای صخره من و نجات‌دهنده من. این یک پاسخ است

این وحی، واکنشی را برانگیخته است. اگر می‌خواهید به آنجا مراجعه کنید، ببینید که همین اتفاق در رومیان باب ۱ نیز رخ می‌دهد. باز هم، می‌دانم که دارم مطالب کتاب مقدماتی را تکرار می‌کنم، اما شما متوجه می‌شوید که این ممکن است مطالب مهمی باشد

از آیه ۱۶ به بعد، پولس می‌گوید که از انجیل شرمنده نیست، زیرا انجیل قدرت خداست تا هر که را که ایمان آورد نجات دهد. بسیار خوب. او ماهیت انجیل را تشخیص می‌دهد

، حالا، آیه ۱۸. خشم خدا از آسمان علیه تمام بی‌خدایی و شرارت انسان‌هایی که حقیقت را سرکوب می‌کنند، نازل می‌شود. اگر آنها آن را سرکوب می‌کنند، باید قابل دسترسی باشد، و حتماً چیزی عمدی در کار است

این یک واکنش است - متأسفانه، یک واکنش منفی است. آنها با شرارت خود حقیقت را سرکوب می‌کنند، زیرا آنچه را که می‌توان در مورد خدا دانست، برایشان آشکار است

خدا این را برایشان آشکار کرده است. اگر بخواهیم اینطور بگوییم، آیه ۲۰ نکته اصلی است. از زمان آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، قدرت ابدی او و ذات الهی‌اش به وضوح از آنچه آفریده شده، قابل درک بوده‌اند، به طوری که مردم هیچ عذری ندارند

رومیان ۱ متنی بسیار تأمل‌برانگیز است. از آنچه ساخته شده است، از چیزهایی که می‌توانیم در بیرون مشاهده کنیم، ما مسئول هستیم زیرا قرار است چیزی در مورد قدرت الهی خدا و صفات او بدانیم. همانطور که قبلاً به آن تصویر نگاه کردید، می‌دانید، ما صرفاً با نگاه کردن به تصویر، نکات اساسی در مورد هنرمند دریافتیم.

ما با نگاه کردن به نظم آفرینش اطرافمان و مطالعه دقیق آن، نکات اساسی در مورد خدا یاد می‌گیریم. می‌خواهم نگاهی سریع به رومیان ۲ بیندازم. من کل این متن را نمی‌خوانم.

من می‌خواهم آیه ۱۵ را به زبان ساده بخوانم. پولس در اینجا صحبت کرده و استدلال فوق‌العاده‌ای ارائه داده است.

ما در طول این دوره به رومیان باز خواهیم گشت. اما در اینجا او زمینه را برای گفتن اینکه همه بشریت در قبال آنچه می‌دانند مسئول هستند، فراهم می‌کند. در فصل ۱ او درباره آنچه می‌توانیم در نظم خلقت ببینیم صحبت می‌کند.

در اینجا به فصل ۲، آیه ۱۵ می‌رسیم. ما الزامات تورات را که بر قلب‌های ما نوشته شده است، نشان می‌دهیم. وجدان ما گواهی می‌دهد.

افکار ما حالا متهم می‌کنند، حالا دفاع. واقعیت این است که ما با وجدانی آفریده شده‌ایم که خوب را از بد تشخیص می‌دهد و می‌داند چه زمانی انتخاب می‌کنیم که چه چیزی اشتباه است. فکر می‌کنم کتاب «مسیحیت بخوانید، درست است؟ درست است؟ آیا استدلال‌های او را در آنجا به خاطر دارید؟ CCC محض «را برای مردم می‌دانند چه چیزی درست و چه چیزی اشتباه است و ما می‌دانیم چه چیزی منصفانه است و می‌دانیم چه زمانی از کاری که شخص دیگری علیه ما انجام داده، آزرده خاطر شده‌ایم».

یک حس درونی وجود دارد که می‌گوید این منصفانه نیست، مخصوصاً وقتی که علیه من انجام شده باشد. سی. اس. لوئیس صرفاً از آنچه که از نظر الهیاتی در رساله پولس به رومیان آمده است، استفاده می‌کند. در این مورد می‌توانیم چیزهای بیشتری بگوییم، اما باید ادامه دهیم.

می‌توانیم از مکاشفه عمومی چیزهای زیادی یاد بگیریم، اما بیا بید از نقاشی خودمان استفاده کنیم. در مورد آن نقاشی چه چیزی نمی‌دانی؟ آیا متوجه حرف جینجر شدی؟ آیا تو بودی که در مورد نور و تاریکی صحبت می‌کردی؟ درست است. منظورت این بود که می‌دانستی داری سعی می‌کنی عاقلانه برخی از انگیزه‌ها یا برخی ایده‌ها یا افکاری را که رامبراند ممکن است داشته باشد، بخوانی، اما آیا او را به طور قطع می‌شناسی؟ شاید او فقط یک ابر و آسمان روشن را نقاشی می‌کرد.

چه چیز دیگری را در مورد آن نقاشی نمی‌دانیم؟ یادت هست که یک پل و درخت داشت. آه، در مورد اسمت کمکم کن. جوانا.

ببخشید دوباره می‌پرسم. خب، ما از حرکت ابرها خبر نداریم. ما از الگوهای آب و هوایی خبر نداریم.

ما نمی‌دانیم که این موضوع چگونه ممکن است بر اتفاقات روی زمین تأثیر بگذارد. این خوب است. چه چیز دیگری را نمی‌دانید؟ مت

درسته. آره. ما نمی‌دونیم چرا اون رو نقاشی کرد.

ما دوست داریم حدس بزنیم، اما واقعاً هیچ ایده‌ای نداریم، مگر اینکه او سندی بنویسد که در آن سال یا سال‌های دیگر بگوید: «من تصمیم گرفتم این را بکشم، و انگیزه‌ام این بود که این را به تو بدهم چون از تو خوشم می‌آید یا هر چیز دیگری. اینها چیزهایی هستند که تو نمی‌دانی. تو انگیزه‌ها را نمی‌دانی»

شما اراده را نمی‌دانید. شما نیت‌ها را نمی‌دانید. همین امر در مورد خدا و وحی او نیز صادق است.

ما می‌توانیم چیزهای زیادی در مورد او بدانیم، اما جدا از وحی خاص، چیزهایی وجود دارد که ما به سادگی نمی‌دانیم، و بنابراین، باید در مورد کلام خدا صحبت کنیم. باز هم، اصطلاحی که متکلمان در مقابل وحی عمومی یا طبیعی به کار می‌برند، ما بیان کلامی وحی خاص از حقیقت گزاره‌ای را داریم که در لحظه‌ای دیگر در مورد شخصیت خدا تعریف خواهیم کرد. باز هم، ما شخصیت رامبراند را نمی‌دانستیم.

ما دقیقاً با نگاه کردن به آن نقاشی نمی‌دانیم که او چگونه بوده است. ما می‌دانیم که خدا قدرتمند است، اما آیا او برای خیر قدرتمند است؟ آیا او یک قدرت خیرخواه است یا یک قدرت بدخواه؟ ما این را وقتی می‌دانیم که به خواندن کتاب مقدس می‌رسیم. شخصیت و اراده، معنای وجود انسان و همچنین ماهیت قلمرو معنوی.

اینها چیزهایی هستند که وحی خاص به زیبایی برای ما بیان می‌کند. و ضمناً، اینجا فقط کمی تعریف وجود دارد. وقتی مردم از عبارت حقیقت گزاره‌ای استفاده می‌کنند، این معنی را دارد.

این «اوه» نیست. من یک گزاره برای شما دارم. در عوض، درباره گزاره‌هایی صحبت می‌کند که اجزایی از حقیقت و دروغ را در خود دارند. آن صندلی روبروی من است.

این حرف درستی است. آه، وای بر من که اینطور نیست. این یک حرف احساسی است.

این چیزی است که نشان می‌دهد حالم خیلی بد است، اما وای بر من. خب، می‌توانید از آن چیزی استنباط کنید، اما لزوماً یک گزاره‌ای گزاره‌ای نیست. خب، از نظر دسته‌بندی‌ها و مکاشفهی ویژه، می‌خواهیم به‌طور خاص در مورد این کلمه صحبت کنیم زیرا این کلمه در کتاب مقدس است. این کلمه در مورد شخص عیسی بزرگ در X مسیح است. و البته، کتاب مقدس واقعاً از این نظر جالب است که می‌توانید آنها را مانند یک نظر بگیرید، اگر بخواهید.

تمام مطالب عهد اول به جایی که دو خط ضریدر، زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح را به هم پیوند می‌دهند، چشم دوخته است. تمام چیزهای گذشته به گذشته نگاه می‌کنند و آن رویداد مسیح را تفسیر می‌کنند. اناجیل در مورد آن به ما می‌گویند، رساله‌ها در مورد پیامدهای آن صحبت می‌کنند و در مورد نحوه زندگی در رابطه با آن توصیه‌هایی دارند.

است؟ خب، و بنابراین همه این Chi Christos ما، نماینده حرف یونانی X، X و البته، آیا جالب نیست که چیزها به نوعی با هم جور در می‌آیند. بسیار خب، خیلی طولانی شد، بنابراین باید ادامه دهیم. کلمات کتاب مقدس، کلمه در شخص عیسی مسیح، کلمه تجسم یافته، و سپس با عمل قدرتمند و کلام آموزنده نبوی که همه اینها را به هم پیوند می‌دهد، و به نظر قبلی ما یعنی عمل ارتباطی الهی برمی‌گردد.

تا اینجا خوب پیش رفته‌ایم؟ دارم به ساعت نگاه می‌کنم. سوالی دارید؟ آیا آنقدر یاوه‌گویی و چرت و پرت گفته‌ام که شما را گم کرده‌ام؟ بله. در مورد اسمتان کمکم کنید.

تو کیتی هستی. یه کیتی هست و یه کیتی. خیلی خب، شروع کن.

ماوراءالطبیعه، بله، این کاملاً خوب جواب می‌دهد. دلیل اینکه من آن را خاص می‌نامم این است که واقعاً به نوعی متمایز است و لزوماً از اصطلاح ماوراءالطبیعه استفاده نمی‌کند. یکی از دلایل ماندن این است که استفاده از این اصطلاح خوب است، اما وقتی متن را داشته باشید، به عنوان متن مکتوب وجود دارد.

وقتی عیسی را به عنوان عیسی مجسم در نظر می‌گیرید، او یک انسان است. البته او کاملاً خداست، اما کاملاً انسان هم هست و مردم او را در آن زمینه به عنوان یک انسان کامل تجربه کرده‌اند، اما اشکالی ندارد اگر بخواهید از این به عنوان یک تضاد استفاده کنید، عالی است. سوال دیگری دارید؟ بسیار خب، کمی بیشتر باید کار کنیم.

الهام. و این به برخی از سوالاتی که قبلاً مطرح شد برمی‌گردد و امیدواریم بتوانیم حداقل به تعدادی از آنها پاسخ دهیم. این تعریف دیگری است که اگر بخواهیم کاملاً با شما صادق باشم، دوست دارم آن را حفظ کنید.

آیا می‌دانید که مغز شما ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای حافظه دارد، خیلی بیشتر از آنچه که ما به آن اعتبار می‌دهیم؟ باید در مورد نویسنده سرودهای مذهبی مورد علاقه‌ام، فانی کرازی، برای شما بگویم. کسی این نام را می‌شناسد؟ زنی که نابینا بود. می‌دانید او چقدر از کتاب مقدس را حفظ بود؟ تمام انجیل‌ها، تمام مزامیر، و زمانی که به سی سالگی رسید، تصمیم گرفت روی پیامبران کوچک کار کند و من با یک یا دو آیه مشکل داشتم.

بنابراین، برخی از این موارد را حفظ کنید، برخی از آیات کتاب مقدس را حفظ کنید، عالی است. در هر صورت، عمل خاص روح القدس. نکته اینجاست، و ما به زودی به آیات مربوط به این موضوع خواهیم پرداخت.

روح القدس نویسندگان کتاب مقدس را برای انجام برخی کارها هدایت می‌کند، و چند مورد وجود دارد، بنابراین می‌خواهم اینجا در نظر داشته باشید. به طوری که کلمات آنها افکار را منتقل کند. این یک فرآیند دیکته کردن نیست، اما کلمات آنها در واقع افکاری را که روح القدس، خدای روح القدس می‌خواهد منتقل شود، منتقل می‌کند.

دومی به این دلیل که آنها رابطه مناسبی با بقیه کتاب مقدس داشته باشند. به عبارت دیگر، قرار نیست تناقضات و اختلافات فاحشی در اینجا وجود داشته باشد. این به معنای ساده بودن آن نیست.

چیزهای بسیار جالبی وجود دارد که بخشی از این انسجام هستند و پیچیده‌اند، اما با این وجود، یک انسجام، یک رابطه مناسب با بقیه کتاب مقدس وجود خواهد داشت. سپس، البته، سومی، که آن هم بسیار مهم است، باید در فکر، واقعیت، آموزه و قضاوت مصون از خطا باشد. البته، این جایی است که گاهی اوقات آنتن‌ها بالا می‌روند.

معصومیت به چه معناست؟ چگونه آن را درک می‌کنیم؟ به خصوص در مورد واقعیت، هرچند، چندان بد نیست. دکترین یک ساختار کلامی است، اما در مورد واقعیت چطور؟ آیا می‌توانیم بگوییم که کتاب مقدس از نظر واقعیت‌ها نیز معصوم است؟ البته، حوزه‌هایی که این موضوع واقعاً برای برخی افراد به یک چالش تبدیل می‌شود، حوزه‌های علم و تاریخ و به ویژه علم است. چهارشنبه‌ی آینده بیابید زیرا برخی از این موارد ممکن است از دیدگاه علمی فقط در یک حوزه از خلقت مورد بررسی قرار گیرند.

در هر صورت، اندیشه، واقعیت، آموزه و قضاوت. بیابید ابتدا نگاهی سریع به بسط این تعریف و سپس به برخی از قسمت‌ها بیندازیم و به آنچه پولس به تیموتائوس می‌گوید، برگردیم. مسئله مهم اینجاست.

روح القدس آن نویسندگان کتاب مقدس را سرکوب نمی‌کند. در عوض، او با قابلیت‌های خاص آنها، پیشینه فرهنگی‌شان را ارتقا می‌دهد. بنابراین ترکیبی منحصر به فرد از پیشینه فرهنگی

برای مثال، جرمیا چه چیزی برای نوشتن داشت؟ چند نفر از شما روز چهارشنبه در کلیسا بودید؟ به یاد دارید که دین کارمر از زبان جرمیا و چیزهایی که جرمیا در بستر فرهنگی خود تحمل می‌کرد، مانند فروپاشی ملتش در اطرافش، صحبت کرد. آنچه جرمیا برای گفتن دارد، تا حد زیادی تحت تأثیر شخصیت او و اتفاقات اطرافش قرار دارد. این یک بحث بسیار جالب خواهد بود.

این کاملاً متفاوت از چیزی خواهد بود که اشعیا ۱۰۰ سال و چند سال قبل از آن می‌گفت. بنابراین، زمینه‌های فرهنگی نیز شخصیت‌ها، زبان، پیشینه‌ها و غیره را شکل می‌دهند. نکته این است که صرف نظر از زمان زندگی این نویسندگان و اینکه چه کسانی هستند، روح القدس اطمینان حاصل خواهد کرد که آنچه در کتاب مقدس گفته می‌شود، هم از نظر فرهنگی مرتبط و هم فراتر از فرهنگ باشد، به طوری که با من و شما نیز صحبت کند.

این چیزی است که باید در نظر داشته باشیم. این موضوع با من و شما صحبت خواهد کرد. این موضوع از نظر پیشینه تاریخی خاص است و ما آن را مطالعه می‌کنیم، می‌خواهیم آن را بدانیم.

ما فقط می‌خواهیم برگردیم و بفهمیم رامبراند چه زمانی و چرا نقاشی کرده است. اما این [نقاشی] همچنین از فرهنگ‌ها فراتر می‌رود، کلمات کتاب مقدس، درست مانند نگاه کردن به آن نقاشی، که زیبایی زیادی دارد که از فرهنگ فراتر می‌رود. بنابراین، آیا کتاب مقدس از نظر حقیقت خود فراتر می‌رود؟

خب، به چیز دیگه هم اینجا مطرح میشه. آره، کتاب مقدس در مورد خودش چی میگه؟ فقط برای اینکه بتونیم از یه مشکلی اینجا جلوگیری کنیم. ارسطو، کسی جز ارسطو، چیزی میگه که به نظرم مهمه موقع صحبت در مورد اینکه کتاب مقدس در مورد خودش چی میگه، به خاطر داشته باشیم.

چون بعضی‌ها ممکن است بگویند، اوه، شما نمی‌توانید به کتاب مقدس مراجعه کنید تا بفهمید که موضوع آن از نظر حقیقت و قابل اعتماد بودن چیست. فکر می‌کنم منصفانه باشد که بگوییم ارسطو، فیلسوف نسبتاً شریفی، در مورد متون چنین گفته است: «سود شک و تردید باید به خود سند داده شود، نه اینکه منتقد در «فرهنگ ما آن را به خودش نسبت دهد».

بنابراین، به عبارت دیگر، ما به عنوان خوانندگان، در مورد اجزای تشکیل دهنده و ماهیت و اقتدار و اعتبار متن، حق اظهار نظر بیشتری نسبت به خود نویسنده نداریم. به هر حال، متن عهد عتیق بارها و بارها می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید. این چیزی را به ما می‌گوید.

این خداست که صحبت می‌کند. از طریق پیامبران، بله، اما این خداست که صحبت می‌کند. البته، این همان چیزی است که می‌خواهیم کمی به آن پردازیم.

دوم تیموتائوس، اگر کتاب مقدس خود را دارید، احتمالاً ارزش دارد که نگاهی به آن بیندازید. فصل ۳. توجه داشته باشید که پولس صحبت می‌کند، و پولس وقتی با تیموتائوس صحبت می‌کند، در مورد نسخه‌های خطی اولیه صحبت نمی‌کند. من با آیه ۱۴ شروع می‌کنم.

در مورد تو، به آنچه آموخته‌ای و به آن ایمان آورده‌ای ادامه بده، زیرا کسانی را که از آنها آموخته‌ای می‌شناسی. چگونه از کودکی با کتاب مقدس آشنا شده‌ای؟ پولس از چه کسی کتاب مقدس را آموخت؟ آیا می‌دانی؟ اگر گفته شده از کودکی، حدس خوبی بزن.

نوشته شده مادر، اینطور نیست؟ جالب اینجاست که در واقع اسم آنها هم هست. مادرت، یونیس، و مادر بزرگت لوئیس، فصل ۱. ما اسامی افرادی را که به تیموتائوس تعلیم داده‌اند، داریم. پولس صرفاً این را تأیید می‌کند.

تو می‌دانی از چه کسانی این را آموخته‌ای. چگونه از کودکی با کتاب مقدس آشنا بوده‌ای، کتابی که می‌تواند تو را برای رستگاری از طریق ایمان به عیسی مسیح حکیم کند. بنابراین، هدف کتاب مقدس این است که تو را برای رستگاری حکیم کند.

سپس، البته، بخشی که واقعاً از نظر ماهیت کتاب مقدس هدف ماست. همانطور که پولس این را به تیموتائوس می‌نویسد، می‌گوید که تمام کتاب مقدس الهام خداست و مفید است. تعلیم، سرزنش، اصلاح، تربیت و پارسایی تا شخص خدا برای هر کار نیکو کاملاً مجهز شود.

حال، آنچه کتاب مقدس در مورد خودشان می‌گویند، به عبارت دیگر، همان چیزی است که پولس می‌گوید این است که همه این کتاب مقدس، نه فقط بخش‌هایی که من و شما دوست داریم، بلکه همه این کتاب مقدس اینجا هستند. آنها اینجا هستند زیرا خدا آنها را دمیده است. ما در یک لحظه به پطرس دوم در مورد کار روح خواهیم رسید، و او آنها را دمیده است تا بتوانند اهداف مهم تعلیم، توبیخ، اصلاح و تربیت در عدالت را به انجام برسانند.

این کاملاً جامع است. اینها کدام کتاب مقدس هستند؟ خب، به احتمال زیاد عهد اول. به احتمال زیاد آنها از قبل ترجمه شده‌اند زیرا تیموتائوس در افسس زندگی می‌کرد.

خب، ما باید به رساله دوم پطرس نیز نگاهی بیندازیم. این به ما دریچه کوچکی به نقش روح القدس در این فرآیند می‌دهد. پطرس در آیه ۱۶ می‌گوید که ما از داستان‌های ساختگی و زیرکانه پیروی نکردیم؛ ما شاهد عینی بودیم.

من این را اینجا مطرح نکردم. در واقع با آیه ۱۶ شروع می‌شود، اما لطفاً به اهمیت شاهدان عینی توجه کنید. در قرن اول، زمانی که پطرس می‌نوشت، زمانی که نویسندگان انجیل می‌نوشتند، زمانی که پولس می‌نوشت شاهدان عینی که واقعاً در وقایع دخیل بودند، قابل اعتمادترین منابع برای حقیقت و درستی یک رویداد تلقی می‌شدند.

جای تعجب نیست که پولس در اول قرن‌تین ۱۵ بر شاهدان عینی تأکید می‌کند. جای تعجب نیست که پطرس نیز همین کار را می‌کند و می‌گوید ما شاهدان عینی بودیم. اما با این اوصاف، به آیه ۱۹ توجه کنید.

ما کلام انبیا را قطعی‌تر کرده‌ایم و شما با توجه به آن، کار خوبی انجام خواهید داد. آیه ۲۰، مهم‌تر از همه، باید درک کنید که هیچ پیشگویی از کتاب مقدس، از تفسیر خود پیامبر نیامده است. این چیزی است که بسیاری از محققان اکنون می‌گویند.

می‌دونی؟ خیلی‌ها هستن که در مورد عهد عتیق می‌نویسن و می‌گن که خب، این فقط محصول یک جامعه یک جامعه مذهبی خاص یا ببخشید، جوامعی در طول حدود ۱۰۰۰ سال هست، و این افراد ایده‌های خودشون رو در مورد رابطه با خدا و یک موجود الهی و معنویت مطرح کردن.

پطرس می‌گوید، نه، نه، این درست نیست. در عوض، در آیه ۲۱، نبوت ریشه در اراده بشر ندارد. انسان‌ها از جانب خدا سخن گفتند، همانطور که روح القدس آنها را هدایت می‌کرد.

این چیزی است که متن در مورد خودش می‌گوید. ما باید آن را جدی بگیریم. نه تنها این، بلکه همانطور که متی سخنان عیسی را در موعظه بالای کوه ارائه می‌دهد، عیسی اهمیت و حقیقت مداوم عهد عتیق را تأیید می‌کند.

او می‌گوید حتی یک نقطه یا یک نقطه از آن از بین نمی‌رود. و جالب اینجاست که در یوحنا فصل ۱۴، سخنان عیسی نیز ذکر شده است. عیسی کیست، خب، در یوحنا ۱۴ چه اتفاقی می‌افتد؟ شما فکر می‌کنم ترم گذشته از عهد جدید آمده‌اید، درست است؟ در یوحنا فصل ۱۴ چه اتفاقی می‌افتد؟ کسی یادش هست؟ او گروهی از پیروان بسیار وفادار دارد. آنها در اتاق بالا هستند.

درست است، و این چیزی است که او در شام آخر در مورد آن صحبت می‌کند، و می‌گوید که آمدن روح القدس را وعده می‌دهد. فصل ۱۴، همچنین فصل ۱۶، این موضوع تکرار شده است. و یکی از کارهایی که او می‌گوید روح القدس قرار است انجام دهد، تعلیم و یادآوری است.

حال، در آن اتاق، برخی از افرادی که قرار بود کمی بعد کتاب مقدس را بنویسند، جمع شده بودند و روح القدس به آنها یادآوری وقایع را بر اساس نحوه نگارش آنها انجام می‌داد. پولس همچنین می‌گوید، و من به این موضوع نمی‌پردازم، اما در افسسیان فصل ۲، او در مورد کل این ساختمان، یعنی کلیسا، صحبت می‌کند که بر پایه عیسی مسیح به عنوان سنگ بنای اصلی با انبیا و رسولان بنا شده است. توجه کنید که او هر دو را برابر می‌داند، انبیا نویسندگان عهد اول و رسولان معاصران پولس هستند.

و پولس هر دوی آنها را از نظر درستی‌شان در پرداختن به واقعه مسیح، اگر بخواهید، و وحی خدا، در یک جایگاه قرار می‌دهد. بنابراین، این خلاصه‌ای مختصر از آنچه کتاب مقدس در مورد خودش می‌گوید، است. اگر کتاب مقدماتی را خوانده باشید، مطمئنم که قبلاً در مورد آن خوانده‌اید.

باید کمی ادامه دهیم و فقط چند نکته در مورد مرجعیت بیان کنیم. یکی از شما قبلاً به اهمیت الهام و شناخت ماهیت متن از نظر پذیرش آن به عنوان مرجعیت در زندگی‌مان اشاره کرد. اگر این یک متن است، اگر ما قاطعانه معتقدیم که این متنی است که خدا نازل کرده و از جانب او الهام گرفته شده است، چگونه ممکن است معتبر نباشد؟ اگر مرجعیت آن را در زندگی خود تأیید نکنیم، چه اشتباهات احمقانه‌ای مرتکب می‌شویم.

همانطور که کشیش من در کلیسای پارک استریت بارها و بارها می‌گوید، گوردون هوگنبرگر، شما بارها و بارها از من خواهید شنید که به او اشاره می‌کنم زیرا او فرد خردمندی است. اما او می‌گوید، اگر خدا طراح است و شما فردی هستید که طراحی شده‌اید، پس ما اینجا دفترچه راهنمای مالک را داریم. ما نیز می‌توانیم سخنان شما را در مورد نحوه عملکرد بسیار جدی بگیریم.

این همان چیزی است که کتاب مقدس به عنوان آن عمل می‌کند. بسیار خوب، به هر حال، ما از آن مرجع به عنوان قانون ایمان و عمل اطاعت می‌کنیم. و من قصد دارم در مورد این موضوع بیشتر صحبت کنم، وقتی که در مورد کتاب مقدس صحبت می‌کنم.

اما تا اینجا سوالی هست؟ می‌دانم که فقط نگاهی اجمالی به مسائل مربوط به وحی و الهام انداختم. اما قبل از اینکه کمی در مورد متون مقدس صحبت کنیم، سوالی دارید؟ سارا؟ بله، سوال خیلی خوبی است.

عهد جدید چه زمانی به عنوان معتبر شناخته می‌شود؟ خب، پاسخ آسان و ناخوشایند من به شما این است که هرمنوتیک کتاب مقدس را در نظر بگیرید که در آن به تفصیل به آن می‌پردازیم. اما در اینجا یک پاسخ

سریع وجود دارد. واضح است که پولس از همان ابتدا می‌داند که در حال نوشتن چیزی است که عمیقاً مهم است.

همین واقعیت که او، همانطور که قبلاً گفتم، رسولان و انبیا را برابر می‌داند و می‌گوید، این همان چیزی است که باید به آن گوش دهید، با این تفاوت که سنگ بنای اصلی مسیح است. پطرس هم همین کار را خواهد کرد. وقتی پطرس در دوم پطرس، فصل ۳، در مورد آن صحبت می‌کند، فکر می‌کنم آیه ۱۶ باشد، اما جایی در همین حدود، ۱۵، ۱۶.

او درباره نوشته‌های پولس صحبت می‌کند. و می‌گوید، می‌دانید، بعضی‌ها نوشته‌های پولس را تحریف می‌کنند. درک آنها کمی دشوار است.

اما او می‌گوید برخی افراد نوشته‌های پولس را مانند سایر متون مقدس تحریف می‌کنند. او در اینجا از اصطلاح کتاب مقدس «برای اشاره به آنچه پولس می‌نویسد استفاده می‌کند، اما آنچه دیگران نیز نوشته‌اند. بنابراین» این نوعی تشخیص جالب است که شما در اینجا با نکته‌ی مهمی روبرو هستید.

در اواخر قرن اول، یکی از پدران کلیسا، که نامش کلمنت است، از کتاب مقدس نقل قول کرد و به وضوح آن را معتبر دانست. و سپس این [موضوع] با توجه به تعداد روزافزون مردم و جوامع اطراف روم، مثلاً اطراف دریای مدیترانه، که این متن را معتبر می‌دانند، رشد و افزایش می‌یابد. با این اوصاف، وقتی در مورد متون مقدس صحبت می‌کنیم، این را کمی بعد خواهیم گفت، اما برای من کاملاً واضح است، حداقل این تأیید من است که روح القدس در سال ۵۰ میلادی نمرده است.

و من به شما می‌گویم که روح القدس به همان اندازه که در الهام بخشیدن به متن کتاب مقدس فعال بوده، در شکل‌دهی و تدوین مجموعه کتب مقدس نیز فعال است. و فکر می‌کنم این نکته را باید در نظر داشت. گاهی اوقات، کسانی از ما هستند که فقط به روح القدس به عنوان الهام و سپس به روح القدس به عنوان هدایای کارزماتیک که بخشی از پیشینه برخی از ما هستند، فکر می‌کنند.

اما نقش روح القدس از نظر شکل دادن به متون مقدس نیز بسیار مهم است. این وظیفه کیست. زک؟ همیشه توضیح بدی چرا نقش روح القدس در الهام بخشیدن به متون مقدس؟ نه، فکر می‌کنم در طول نسل، یکی از چیزهایی که وقتی در مورد متون مقدس صحبت می‌کنیم با آن سر و کار داریم، به ویژه متون مقدس عهد جدید است، که البته بخشی از چیزی است که شما می‌پرسید، تا زمانی که شاهدان رسولی از بین بروند، به عبارت دیگر، کسانی که آنجا بودند، دیدند، شاهدان عینی آنچه عیسی انجام می‌دهد بودند، این پایان متن مقدس است.

مطمئناً، شما اتفاقات مهمی در حال رخ دادن هستید، و من به هیچ وجه انکار نمی‌کنم که شوراها، همانطور که به حکمت روح القدس متوسل می‌شوند، قطعاً توسط آن هدایت می‌شوند. اما نمی‌گویم که این همان چیزی است که وقتی متن اصلی را تهیه می‌کنید، با آن مواجه می‌شوید. اما من قدرت سوال شما را می‌بینم، زیرا اگر قرار باشد در مورد شکل‌دهی به متون مقدس توسط روح القدس صحبت کنم، آن را به اندازه شوراها می‌اندازم. کلیسا به تأخیر نمی‌اندازد.

می‌دانم که بعضی‌ها این را قبول دارند، اما من فکر می‌کنم عهد جدید تقریباً تا قرن دوم میلادی مورد تأیید قرار گرفته است. می‌دانم که این برخلاف چیزی است که بسیاری از مردم می‌گویند. بعضی‌ها تا قرن چهارم، با فهرست کتب قانونی آتاناسیوس، اجازه نمی‌دادند که عهد جدید به عنوان کتاب قانونی شناخته شود.

اما فکر می‌کنم چیزی قدیمی‌تر داریم. بله، بفرمایید. آیا آن دوره زمانی است که ما در آن هستیم؟ منظورم این است که لوتر، که قطعاً از آن نقل قول می‌کند، می‌گوید که این کتاب مقدس است.

درست است، اما جالب اینجاست که اورینگن را داریم که در قرن سوم بررسی نسبتاً خوبی انجام می‌دهد و متوجه می‌شود که فهرست متونی که مردم به عنوان متون رسمی می‌شناسند، کاملاً یکنواخت است. سپس می‌توانید آن را به متون رسمی موراتوری نیز ربط دهید، که مربوط به قرن دوم است. باز هم، برخی افراد در تعیین قدمت آن مشکل دارند، اما روی هم رفته، این یک متن مربوط به قرن دوم است که کتاب‌هایی را که بخشی از عهد جدید هستند، برای ما فهرست می‌کند.

این یک مسئله‌ی پی‌ریخت است، اما من سعی می‌کنم کمی بین آنچه که ما از نظر پایان قرن اول، پایان مجموعه‌ی مکتوب کتاب مقدس، که قطعاً فعالیت روح‌القدس را در حفظ آن مجموعه تأیید می‌کند، و به رسمیت شناختن آن مجموعه توسط جامعه، تمایز قائل شوم. حالا، اینکه این چگونه از نظر نحوه‌ی کار شوراها به نتیجه می‌رسد، نمی‌دانم. اما اگر این برای شما منطقی باشد، دوست دارم کمی تمایز قائل شوم.

می‌توانیم آن را بیشتر دنبال کنیم. به انجمن عمومی بیاوید. ما آن را کمی بیشتر پیش خواهیم برد.

بگذارید قبل از اینکه وقتان تمام شود، چند نکته در مورد کائن بگویم. کلمه کائن در واقع یک کلمه عبری و در واقع یک کلمه یونانی است. و کلمه‌ای است که در اصل برای توصیف یک نی، یک نی پاپیروس، استفاده می‌شود.

پاپیروس چیزی بین ۱۲ تا ۱۵ فوت رشد می‌کند، بنابراین به یک چیز بسیار عالی تبدیل می‌شود که می‌توان از آن به عنوان یک معیار اندازه‌گیری استفاده کرد. و این نوع معنای مشتق شده ماست که از آن دو کاربرد موازی از اصطلاح «قانون» را در زمینه‌ای که در مورد آن صحبت می‌کنیم، به دست خواهیم آورد. چیزی که با آن اندازه‌گیری می‌کنیم، و اولین ایده این است که مردم معیارهایی را برای تعیین اینکه آیا کتاب‌های خاصی معتبر بوده‌اند یا خیر، تدوین کرده‌اند.

به عبارت دیگر، اینکه آیا آنها قرار است جزو کتاب‌های مرجع باشند یا خیر. و این معیارها، معیارهای سنجش بودند. خب، کتاب‌های مرجع به این شکل عمل می‌کنند، خب؟ ما اندازه‌گیری می‌کنیم که آیا کتاب‌ها جزو کتاب‌های مرجع هستند یا خیر.

دو پرسش اساسی در رابطه با عهد عتیق، و در واقع، عهد جدید، این است که آیا چیزی از نظر الهیاتی، ارتدوکس است یا خیر. آیا حقایق را آموزش می‌دهد که با بقیه کتاب مقدس سازگار است؟ به عنوان مثال کسانی از شما که متون تثنیه یا متون آپوکریفا را می‌شناسید و آنها را خوانده‌اید، می‌دانید که مطالب جذابی در آنها وجود دارد. اما، به عنوان مثال، اگر کتاب طوبیت را بخوانید، که یکی از این متون است، رویدادهای جادویی نسبتاً عجیبی در آن رخ می‌دهد.

احتمالاً رویکردی نسبتاً نامتعارف در مورد نحوه برخورد با اجساد و اینکه چه نوع شایستگی برای شما به ارمغان می‌آورد، وجود دارد. می‌دانید، این چیزها دقیقاً با اصول الهیاتی مطابقت ندارند. به همین ترتیب، آنها باید از نظر تاریخی دقیق باشند.

این دو مورد، به طور کلی، آزمون‌ها هستند. چندین مورد دیگر هم وجود دارد، اما اینها مهم‌ترین آنها هستند. من قبلاً به نقش روح القدس اشاره کردم، که مرا به دردرس بزرگی انداخته است. زک کمی بیشتر در مورد آن فکر خواهد کرد و می‌توانیم در مورد آن بیشتر صحبت کنیم.

نکته دوم از نظر سنجش است، باشه؟ بنابراین، اولین ایده سنجش این است که ما در مورد سنجش خود متون صحبت می‌کنیم. آیا آنها قرار است معیارها را برآورده کنند و بنابراین، به عنوان مرجع در نظر گرفته شوند؟ دومین مسیر کاوش این است که آن مرجع برای ما به یک معیار سنجش تبدیل شود. همانطور که ما مرجعیت آن متن را تأیید می‌کنیم، آیا واقعاً به اعمال و باورهای که برای ما تعیین می‌کند، عمل خواهیم کرد؟ بنابراین، مرجع این دو نوع کاربرد را دارد.

خب، دو کار دیگر هست که باید انجام دهیم و آنها را سریع انجام خواهیم داد. ویژگی‌های متنی که داریم، خوبی و ترجمه شده است، و به محض اینکه چیزی به دست مردم می‌رسد، می‌دانید که ما انسان هستیم و جایز الخطا. حقایق که خدا آشکار می‌کند جایز الخطا نیستند.

Blackboard اما وقتی صحبت از فرآیند کپی کردن و فرآیند ترجمه می‌شود، و اگر هنوز مقاله‌ای کوتاه در ندارم که به شما کمک کند کمی در این مورد فکر کنید، دوباره می‌گویم، باید تشخیص دهیم که محدودیت و جایز الخطا بودن خودمان در این فرآیند دخیل است. باید این را تشخیص دهیم. نکته دوم که می‌خواهیم به آن توجه کنیم، و قرار است بلافاصله پس از شروع به کار در سفر پیدایش به آن بپردازیم، این است که این متن عهد اول از منابع مختلفی تشکیل شده است.

حتی اگر فرض کنیم موسی نویسنده‌ی اسفار پنج‌گانه بوده، کل ۳۹ کتاب از یک بازه زمانی حدود ۱۴۰۰ میلادی، و اگر ملاکی را در آن بازه زمانی کلی در نظر بگیریم، احتمالاً تا حدود ۴۰۰ میلادی، آمده‌اند. و در این کتاب‌ها، خود موسی از منابعی استفاده می‌کند. ما باید این را بپذیریم، در مورد آن صحبت کنیم و بفهمیم که چگونه کار می‌کند.

اگر بخواهید، ژانرهای مختلف، انواع مختلف ادبیات وجود دارد. تورات در واقع به معنای آموزش است، اما روایت نیز در آن وجود دارد. کتاب‌های تاریخ، کتاب‌های تاریخ هستند.

آنها درباره وقایعی صحبت می‌کنند که در پرتو قوم عهد خدا آشکار می‌شوند. شعر وجود دارد، نبوت وجود دارد، و ضمناً، نبوت شامل شعر زیادی است. بنابراین، انواع ژانرهای مختلف به این موضوع گره خواهند خورد.

ما باید این را تشخیص دهیم. در نهایت، اینجاست که شباهت‌ها در عهد عتیق مطرح می‌شوند. در گذشته، برخی افراد در برابر خواندن شباهت‌ها در عهد عتیق مقاومت می‌کردند.

بگذارید شما را تشویق کنم که آنچه در آنجاست را جذب کنید و تشخیص دهید که یک زمینه فرهنگی وجود دارد که این متون در آن پدیدار می‌شوند. و شباهت‌های عهد عتیق به شما کمی از آن زمینه فرهنگی گسترده‌تر را نشان می‌دهد. کتاب پدرمان ابراهیم، دکتر ویلسون، نیز همینطور خواهد بود، زیرا این کتاب کل زمینه یهودی و تاریخ مداوم درک این متن را در یهودیت به ما می‌دهد.

بسیار خوب، ساعت ده و ده دقیقه است، و ما خیلی سریع این موارد آخر را پشت سر گذاشتیم. یکی از چیزهایی که همیشه جمعه برایتان آرزو می‌کنم، و فکر می‌کنم امروز جمعه است، شبات شالوم است. اگر بخواهید، این یک تبریک یهودی است.

برایتان شنبه را آرزو می‌کنم، که به معنی استراحت، صلح، شالوم است. پس، شنبه شالوم.